



روزنامه

جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تشریحی برابر تشریحی جمعی برآید و همراه با آئین ائین میاید

شماره بیست و چهارم: شنبه سیام مردادماه ۱۳۵۰

آئین شاهنشاهی ایران، حافظ عظمت و استقلال

سخنرانی پروفیسور

اسکددامک استاد دانشگاه

ورشو

کوروش استراتژ و وزیده نظامی و سیاستمدار و دیپلمات برجسته

چهره سازنده جشنها

بیش از ۳۵ میلیون تومان
اعتبار عمرانی برای
استان مرکزی

افزایش تعداد پروژه های عمرانی،
در سال کوروش بزرگ نشانه اراده ملت
ایرانست. در صفحه هشتم

* تاریخ ملت ایران بر تارک همه ملل جهان می درخشد

از: روزنامه وطن - چاپ پاکستان

سپاس باد خانواده را که
کانونی اهورائی است.

ایران، میزبان صلح
و دوستی و تفاهم ملت ها

۵۳ روز تا آغاز جشن های شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی ایران پایه های

صلح و تفاهم بین المللی را استوار میسازد

و هم، حتی، درمیاند. اندیشه، انسان را به جالی رهنمون نمیشود، باید از نیمه راه اغاز کرد. چرا که پریش ها، دوری نسلی دارند، و هر پریش تقریبی بیاید، انسان را به پریشی دیگر رهنمون می-تورد. و اندیشه، باید از نیمه ۶ بقیه در صفحه ۶

هر روز که هفته جشن های شاهنشاهی نزدیک میشود، عظمت اجتماعی که از سران و رهبران کشورهای جهان در تهران و تحت چشمید تشکیل خواهد شد، بیشتر آشکار میشود. سیاهی اجتماع بزرگ سران کشورهای جهان در تهران و تحت چشمید، بی آنکه از پیش برنامه ای برای گفت و شنودها باشد، در محلی که برای دوستی و صلح و آرامش و تفاهم بین المللی، وجود آمده است، شکوه بیشتر پیدا میکند. اگر جشن های شاهنشاهی، تنها این فایده را میباشند که میعادگاه و کانون اجتماع سران و رهبران جهان، و نمایندگان نظام های سیاسی و اجتماعی مختلف باشد، بی آنکه تکلیفی برای هر یک از آنها وجود آورد، بزرگترین هدیه بود که کشور ما، به جهان عرضه میکند. و این فرصت و صحت را که میعادگاهی برای دیدار و آشنائی جناح و گروه های مختلف بین المللی باشد فقط کشور ما دارد و تنها ایران است که امروز میتواند، میزبان صلح و دوستی و نزدیکی ملل باشد، و شواهد حاکی است که دنیا نیز این میزبانی را از ایران باخرسنستی و حسن قبول پذیرفته است.

شاه و سمن در ادویات ایران

صفحه هفتم را بخوانید

* شکوه و عظمت شاهنشاهی انگیزه
شکل گرفتن شاهنامه

صفحه هفتم

* داریوش بنیانگذار وحدت، آزادی و
عدالت اجتماعی

صفحه پنجم

* سابقه طولانی سفارت در ایران باستان
صفحه سوم

۱۰۰ لاله آلوده و آلوده

میراث ایرانی

- « خدای بزرگ است اهورامزدا،
- « که این زمین را آفرید،
- « که آن آسمان را آفرید،
- « که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید،
- « که اردشیر را شاه کرد،
- « یگانه شاه از شاهان بسیار،
- « یگانه فرمانروا از فرمانروایان بسیار،
- « خدایارشا گوید:
- « داریوش را پسران دیگری بود، اما چنانکه خواست
- « اهورامزدا بود،
- « داریوش: که پدر من بود، پس از خودش مرا بزرگترین
- « کرد.

بقیه در صفحه ۲

تاریخ دینی سیاسی بدان جنگ دوم، فصل درخشانی از روابط مستقیم و دیدارها و آشنائی های رهبران و سران کشورها، برای حل و فصل سریع مشکلات و بحرانها افزوده شده است. و در این فصل نام شاهنشاهی ایران، مکرر و در موارد عدیده باخط زرین نقش بسته است، شاهنشاهی ایران، در این زمینه نیز چون سایر زمینهها، مبدع و مبتکر بوده اند، و امروز، شخصیت نافذ جهانی شاهنشاهی، به کشورها امکان و فرصتی گرانبها و استثنائی داده است که نتواند مجموعی فراهم آورد، تا در آن، سران و رهبران کشورهای جهان، خالی از هر تکلیف و بی قید تعهد، دورهم بنشینند و زمینه های برای گفتگو و تبادل نظر در مسائل اساسی بین المللی، یا مسائل مورد علاقه خویش، وجود یابورند. بقیه در صفحه ۲

روزشمار ۲۵ سالگی شاهنشاهی ایران زمین

وختی برده ازبیر دیدگان مردم کنار رفت ، شاهنشاه ، بیش از هرکس دیگر دریافت بود که اینچاه سه سوادای خامی ، و چه بندها دشومی دسر دارند . او ، پی از شنبین سخنان مفان ، راه پدر را ادامه داد و فرمان راند تا آن گروه از مسیحیان ، که آئین خود را وسیله برای رسیدن به مقاصد نفعطلبانه و سودجویی های شخصی و یا خدمت به حکومتی بیگانه قرار داده اند ، تحت تعقیب افتاد . گیزند ، و آنان را که از کبیر کیف ، چاره ای جز گریز نداشتند ، بسوی روم گریختند و به آنجا پناهنده شدند . و دراین زمان ، حادنه جونی استفاده کرده بود ، گروهی اندک ولی وزیده و جنگاور ، ویرانی های بسیار در ایران زمین را بر طرفت و از تیسفون دور شد . و شاهیه برکنان که به شکار میروند ، اما او ، اثر نه به شکار ، به شکارگاه میرفت ، به شکار خود ، در درگاه او آورده بود . و نیاوران و تلمشایان ، به سپاه دشمن زد ، و دلی را دروغ استوار کرد . و سامن راند از نده ساخت و دویمان را ، برکنان و آنان را از نیا دروید و گیزران ساخت . و یازم هم ، از او دیوری و بزری ایران را ، تا افاق دوربست گستر .

۴۲۲ -

شعله ، خاموشی میگردد ، و خورشید ، در درگاه ، خاموشی میببرد و شعله میزند . سرانجام ، خاموشی گرفت . و در آن زمان ، صلح را برکنان ترجیح دادند . آنان بیجانمندی صلحی برآوردند و به پیشگاه شاه عرضه کردند و شاه با کرمی ، که در روشنی صلحی را که میدید بود اوج مینهاد ، صلح را مشاوره با بزرگان ، خطای روحیان را بخشد و بیجانمندی صلحی انانرا بدست ، بدینسان ، بازم ، از اقل صلح و دوستی میان دو کشور ، رنگ نور و هستی یافت .

۴۲۴ -

سیاست روشن و قاطع و دوراندیشی شاه ایران زمین ، سرانجام به پیروزی دیگری انجامید . و این پیروزی ، در ظفرو شکستهای افسادها و نقشه های روشن ایران شاه ایران و فرستادگان او ، بنابه مصالح سیاسی ، کلسای شرقی ، طی اعلامیه ای از طرف شورای (داد - ایوش) به استقلال رسید . این گامی بلند بود که چون سدی استوار در برابر گسترش نفوذ آئین بیگانه به سرزمین های ایران زمین ، ایستادگی میکرد . اکنون کلسای شرقی ، خود استقلال یافته بود و در سطح نفوذ و فرمان کشیشانی کلسای روم و سلسله تیسفون ، نیست . و این ، خود ، عاملی برای کسای ایران زمین بود .

۴۲۵ -

خطر ، همواره در کمین هستی است . شهبازی ، بهرسان می نمود که خطر ، را نه تنها در بیابان های ایران ، بلکه در قیل قبیلچه گری نیز ، در میان تمدن هریک از ملل ، حراست کرد . حرمت منتهیات ملل را ، و حرمت شیوه های انتخاب شده حکومت آنها را ، رواج داد . و اصول تشکیل دولت را بهمنام کشورها ، امروز ، برپیزی کرد . و به یادمانی شهرها و شهرها ، همت گماشت مبادله هنر و فرهنگ را . بین ملل ، رواج بخشید ، و برای نخستین بار ، تقابلی شهرهای مغلوب ، و ایستار ملل و سوختن و نابود کردن آنان تمدن شکست خوردهگان را ، منسوخ ساخت .

ایران ، میزان صلح و دوستی و تقاضای ملتها

بقیه از صفحه ۱

چنین امکانی را ، تکرار میکنیم ، هیچ یک از کشورهای جهان ، تا امروز نداشته اند مناسبتی که ایران ، برای برگزاری این اجتماع تاریخی ، ویرمانند ، برگزیده است . مناسبتی بین المللی است و به تاریخ تحول و تکامل تمام کشورها ، بازمیگرد .

شاهنشاهی ایران ، از آغاز بنیان یافتن ، حاوی یک ریشه های گذاری در کار تکوین تمدن امروز بود . مبادله کالا و دادوستد را بین سرزمین ها ، تمدن های مختلف بیشتر ساخت . از میراث تمدن هریک از ملل ، حراست کرد . حرمت منتهیات ملل را ، و حرمت شیوه های انتخاب شده حکومت آنها را ، رواج داد . و اصول تشکیل دولت را بهمنام کشورها ، امروز ، برپیزی کرد . و به یادمانی شهرها و شهرها ، همت گماشت مبادله هنر و فرهنگ را . بین ملل ، رواج بخشید ، و برای نخستین بار ، تقابلی شهرهای مغلوب ، و ایستار ملل و سوختن و نابود کردن آنان تمدن شکست خوردهگان را ، منسوخ ساخت .

و امروز ، که ایران ، آیین دوزخ اروا پند ساله شاهنشاهی را جشن میگیرد ، بمنزله آنست که یک مرحله تکامل تمدن جهان را جشن میگیرد ، و در این جشن دنیا نیز ، شریک است . و این مناسبت ، خود کافی است که تخت جمشید

بر ایران زمین حمله برد . آنان را گرسنگی ، برانگیخته بود . و به طمع بستان آوردن غنایم و چاقول انبارهای انزویه و غلات به ایران حمله آورده بودند . و اینان (خیون) ها یا (افلتانها) بودند . شاه ایران زمین سپاهی گران آراست و برای گوشمال این تیرگی وحشی و غارتگر ، راه شمال شرقی را در پیش گرفت . (خیون) ها ، بلخ را تصرف کرده و ایلک مرز های هند و ایران زمین را دوعمرض تهدید نهاده بودند . ایلک مرز چاره گیری ، برمی خاستند ، فردا ، خیلی دور بود .

سپاه شاهنشاهی ایران زمین ، تیرگی غارتگر را دریافت . مردان دلوار ایران زمین ، در میان وحشیان خوبی ، مرگ میباریدند و شجاعت می افرویدند . و تیرگی جنگجوی وحشی به تصور تصویر چنین شکستی ها از مردان ایرانی زمین بیست و دلی به باور خاطر خوش داشته بود ، راه فرار در پیش گرفت و سوی بهزیست نهاد . سپاهیان ایران ، با فرمان شاه راه فرار را بر روی آنان بستند و بعد ، به تعقیب گروهی درواستی که جان سالم ، از محله که بدر برده بودند . تعقیب تا آنسو چونان چگونماندای پات و سرانجام پادشاه این تیره ، بدست سپاه دلیر آریا درآمد و غنایم بسیار به چنگل افروختند . بازماندگان پادشاه تیره سفید خون ، با سرانجامی ، تقاضای بخشش کردند . و شاه سپاه ایران ، یوزن آنان را پذیرفت و خطای پادشاه نازک ، که می رانندار آریا پادشاه خامع و یانی و چسارنگر بود ، درگذشت . میان ایران و آن تیره صلح افتاد . و آنان ، دیگر ، اندیشه حمله یا دست درازی به ایران زمین راه ، تا درگاه بی فراموشی سپردند . شاه بهرام ، متوجه سرزمین هند و بسوی آن خطه راند . و دولت هند ، سرانجام ، (سند) و (کوران) را به ایران و نهاد و میداد ایران به پیشگاه شاه ایران فرستاد . از این پی میان ایران و هند ، روابط دوستی ، سایه گسترد .

۴۴۰ -

شاه ایران زمین ، شاهنشاهی بهرام ، که شاهی شاد افروین بود ، به پایان دوران شکوفایی و آرام شاهنشاهی رسید . و در میان آرامی و نیکو ، شادی و کارهای شگفت برپا نهاد . او شاهی دلیر ، و در دلیری جلاله بود . و در وی دلیری خای خود ، ایران را و آسوپ بدو داشت و دورو به او چپای خود نشانند ، خویشان را گوشمال داد و رام کرد ، و آنها را به شدت تعقیب راند و متاری ، در مرزی که باید بنشاند ، برپا کرد .

او ، این دلیری ها را ، با بندها نیک و کردار نیک آمیخت و مردم را به شادایی خواند . به هنر و موسیقی شغلی شدید میوزید . او فرمان داد ، موسیقی دانها و خوانندگان در شمار بزرگان کشور ، در دربار ، مقام مهم داشته باشند . و برای شادایی افروشی ، و بهرگرفتن خرمی از این شادایی ، از هند ، نوازنده و خواننده و رانندگان موسیقی ، که قومی که به شماره ده هزار نفر بودند ، بنام لوریان به ایران آمدند ، در شهرها برکنده شدند و کارشان رامشگری بود . او ، نیز ، برای کشاندن رفاه پذیر آورد و خانمانهای بزرگ و ممتاز را ، پاک خود راه کرد تا او را به کار های خوبی بیاورند . او ، در سخننری دوران دلیری چنگهای ملل ، به مردم مهر میوزید و به ایجاد آرامی در میان گروههای برکنه آئینها ، نظر دوخته بود . او ، شاهی شایسته بود که پی از خود بدر افسانه ها از دلیرها و رامش های خود ، درسینها گاشت . روایتی با زرشت فریند .

را ، آنستوهای سنگی استوار و توانا تر از روزگار را ، به جمعی برای دیدار سران و رهبران کشورهای جهان مبدل سازد و بیوزارت این مناسبت ، میزان جشن های شاهنشاهی ایران ، شاهنشاهی آریامهر همتند ، که با تدبیرهای حکیمانه ، و راه گشایی های خردمندانه ، در طول سی سال شاهنشاهی خوش ، احترام سران و رهبران کشورهای جهان را برانگیختند . دنیا ، به شخصیت شاهانه ایران ، احترام میگذارد - و نیات انسانی و ترقی خواهانه شاهنشاهی را برای تمدن عصر ما ، درک میکند و میستاید و آئین قبول و احترام و ستایش ، بجای خود ، به بهترین ، موقع منازعی بخشیده است که بتواند ، شاهنشاهی سران و رهبران پنج قاره جهان ، از شرق و غرب باشد . اجتنابی که بنیادش بر تحکیم دوستیها ، و برافروندن آشناییها و تقاضایها ، و برگزیدن راههای تازه برای صلح و همکاری بین المللی و تسهیل کار سازمان ملل متحد ، در بیامان رساندن وظایف خطیر دفاع از صلح و ایجاد تقاضای بین المللی است . تنها این درجه ، که جشن های شاهنشاهی ، برای تقاضای صلح و آرامش و تقاضای بین المللی میگشاید . برای بیان عظمت برنامه ای که در پیش است . کنایت میکند ، و تاریخ آئینه ، اجتماع سران جهان را در تهران و تخت جمشید بعنوان یک واقعه تابناک در سرفروش تمدن معاصر یاد خواند . بی تردید این آئین امروز نیز ، اهمیت فرصتی را که خواهد کرد . جشن های شاهنشاهی ایران به تمام ملل جهان داده است نیک دریافتند است . و استثنایی که از دعوت ایران برای هفته جشن های شاهنشاهی میشود ، نمودار این درک و آگاهی است

۴۴۰ -

بسر بهرام پنجم ، یزدگرد دوم ، بجای پدر برنفت سلطنت نشست و شاهنشاهی یافت . او آئین شاهان را بجا آورد . و بخود این بعد از میلاد فرصت را نداد که چندگاهی به استراحت ، روی آورد . درگیری های آئینها ، که موجب آمده بود آرامش ، اندک اندک از زندگی بیشتر شهرها ، برداشته شده اکنون ، با فشار تیره های وحشی و کوشش از شمال مرز های شاهنشاهی همراه شده بود . و آتش این ناامنی ها را ، که میرفت بدل به یک فاجعه گردد ، و دویمان و مسیحیان دام میزند . و شاه جوان ، در این سال ، به دولت خود ، نکتست اختلال کرد و چون آنان دست از روش سنتیزده توتیت کند و اداره اعلان چنگ داد .

۴۴۰ -

دولت دوم ، از در صلح درآمد . (آنتودیسوس دوم) امپراطور روم شرقی بیست و دوم ، بعد از دولت روم ، ازین پیس ، دست به بعد از میلاد زد . دولتی در دهاتی در درگیری مرز ایران زمین نمود . نیز ، دولت دوم متعهد شد ، که هر ساله ، مصلحتی به ایران بپردازد . و دولت ایران بپذیرفت که پادشاه را که در درند قفقاز ، در ساحل دریای خزر ، جایگزینی از تجاوز سکنه شمال به ایران و روم ، احداث کرده توتیت کند و اداره آنرا تکا دارد .

۴۴۳ -

خطم قوق وحشی خیون ، اکنون ، به تمامی رخ نمود . آنان که گوشمال شاهنشاهی بهرام را فراموش کرده بودند ، از دیگر جنابوت دوشین بود که در این حال ، برآورد درگیری های آئین ها ، بر دشواری سرکوب این دشمنان وحشی ، افزوده شده بود . نیز ، در این زمان ، بجز گرفتاری های داخلی و عوامل خارجی هر بر مشکلات افزوده بودند و از آن جمله بود شکوفایی سنگین در سرزمین هایی که در شمال قرار داشت . و از همان جا بود که تیره های وحشی خیون ، و کیداری و دیگران بسوی مرز های پارت و باختر رانده میشدند . اما شاه بزرگ ایران ، شاهی که براورنگ شاهنشاهی ، با کوشش فراوانی و در پیش و تابشور تکیه داده بود ، به مقابله همه با نسیانمندی برخاست . او سپاهی و مردان دلوار ایران زمین گرد آورد ، با نیا گوشمال جنابوت وحشیان ، درام گردن آنان که در گرانگ ، باخت و ناز داشتند ، به اسو روان شد . چنگ ، برآورد فرایشان زیاد که عامل آن شرایط اقلیمی بود ، ادامه یافت و سرانجام فروری اهورایی و نیروی آزادی بیاری شاهنشاهی ایران آمد . او موفق شد (کوشانها را رام کند ، خوینها (هونها) را گوشمالی دهد و به عقب رانده (جول) ، پادشاه آنان را ، سرکوب کند و کیدار ها را ، در باختر و نزارستان رام سازد . و نیز همه نیرها ، موفق و پیروز بیرون آید . ایران زمین ، به تیرگی اندیشه روشن و آبادی استوار شاهنشاهی بزرگتر دوم ، و در سایه پایداری و کوری مردان سپاهی و جانباز ایران ، خطی را از میان برداشته بود .

۴۵۵ -

ایران این مسیح ، با همدستی ارمنه ، سر به بایگری برداشتند . چوب مسیحیان ، اندیشه های تجاوزکارانه در سر میروانند و شاه ایران ، شاه باجرواح ، برای گوشمال آنان ، شتافت . دشمنان شقونی از ارمنه و مسیحیان آراسته بودند و ایرانیان ، با نیروی رهبری شاه روم خود ، به دست به شکستی درکار نبرد زدند . چنگی سخت و خونین در گرفت و فرجام ، سردار مسیحی ارمنه ، بهمنست پی از دلیران سپاه ایران زمین به کام مرگ افتاد و آنگاه سپاهیان ایران موفق شدند ، رومی رواتی مسیحی ارمنستان و دهن از کشیشان بزرگ (اوگها) را بدین اندازه ، آینه در جامعه روحانیت ، دست به گسترش نامتی کشوده بودند و از عواطف بالا و ملجوبی مردم ، در راه انجام مقاصد شمشیری سیاسی خود و دولتی خود ، سود میبردند . تیره ، با پیروزی سپاه ایران ، به باجرام رسید . و دستموس شاهنشاهی ، بارگی شطرنج آتش ، در امتحانهای ارمنستان فرزان شد و کیش و لای زشتی ، بازم در ارمنستان رواج یافت . و مسیحیان حادنه طلب ، تحت تعقیب قرار گرفتند و حوزه تعقیب آنان اینتهنرین گسترش یافت . دشمن خلیفه را ، فرصت طلب ، بازم ظم تلف شکست را میخشد .

۴۵۷ -

آنکه دوسیه ارمنین را پذیرفت و بپذیرد و فلور جایش راه یافت هرگز از تیسفون جدا گردان نماند . و در این نواخت ، بود او را با باجرواحها ، خود را در ضربات تازاننده تیرگی تیره ، خوی یبندی را ازگن نموده . او ، خصلت و هنرهای این داد . این متنی ، و دوسیه روست ، فرم خوش و فراتر هونها (خیون) ، که لاتون چندین بار سزای گستاخی و کفر دست درازی خود را به قلمرو شاهنشاهی ایران زمین دیده است ، بازم به یوی خوش و بسوادی غنایم ، بر سرهای آریانه ، دریافت ، حمله آورد و این نطق را مورد ناخوشی قرار داد . یزدگرد ، بهرامی آنان روانی گوشمال خود را به اسوس گشت داشت و خود ، بفرمانه آنان روانی گوشمال پایان شد . آنان را طی نیرهای تمدنی شکست داد و بنابین اینتهنرین عقیدانند . اما در این نقطه ، برای وجود عواملی ناسامد ، و عدم خویشی تنی چند از سپاهی مردان او ، سپاه ایران زمین ، پیروزی را بدشمن سپرد . اما زمانه ، به گونه ای دیگر بدین باره شفاوت کرد

گفتگوی دیپلماتیک ایران با غرب

از: پرویز ذوالعین

سابقه طولانی

سفارت در

ایران باستان

-۱-

سفارت از نخستین تاسیسات حقوق بین الملل است که سابقه آن در تاریکی های زمان ماضی می شود. شاید لزوم سفارت و مأموریت سفیران درین اقوام اولیه از آنجا محسوس می شود که در جنگها - که ظاهر نتیجه برخورد قبائل اولیه باهم و نخستین نوع رابطه بین اقوام بود - است. هنگامیکه طرفی ضعیف میشد لازم میگردد رابطه ای باقیله قوی برقرار کند و رضایت خود را به صلح یا تسلیم اعلام نماید و چنین رابطه ای طبعاً سبب تسهیل سفیر (باصلاحات دیگر فرستاده، نماینده، ایچی و پیامبر) صورت میگرفت و چون طرفین در رساندن پیام وایش ذنیف و علاقه مند بودند بناچار سفیرا که حامل پیام بود مومن و محفوظ می ماندند. رسم اعزام و پذیرش سفیران بهرور اعلام صلح معمول گردید و یا تشکیل حکومتی بزرگ در جوار یکدیگر وظایف حکومتی تنوع بیشتری یافت و ایشان مأموریت های برای مذاکره به منظور جلوگیری از جنگ احتمالی، جلب دوستی و رفع کدورت، برین دنیا و رساندن پیام، دعوت به اتفاق و اتحاد و همچنین تحقیق درباره اوضاع و احوال دشمن و جاسوسی و غیره پیدا کردند. روهیفته سفیران در دوره باستان چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ مأموریت داشتند و معمولاً مورد احترام قرار میگرفتند و طی تشریفاتی از ایشان استقبال و پذیرائی و بدرقه میشد.

باینکه در دوره باستان اعزام و پذیرش سفیران بین حکومت های شرق و غرب مرسوم بود ولی بطور کلی نه در کشورهای مغرب مانند یونان و روم و نه در کشورهای شرقی از جمله ایران و مصر و غیره مفهوم کلی سفارت کاملاً درونی تصور نشده بود.

در طول تاریخ بارها دیده میشود که به سفیران به نظر نمایندگان کشور رقیب یا دشمن گرفته و نسبت با آنها بدرفتاری می کردند مأموریت سفیران نیز در بسیاری موارد بی جاسوسی توأم بود و یا در انجام وظایف خود جاسارت و بی نزاکتی را بصدی میرسانیدند که موجب رنجش و حتی جنگ میشدند. گاه عدم موفقیت سفیر موجب خشم سلطان متبوع میشد و مورد غضب قرار میگرفت. باوجود آنکه گفته شد بسیاری از مورخین و نویسندگان حقوق بین الملل صراحتاً رفتار شاهنشاهان

هخامنشی را نسبت به سفیران ستوده و ایشان را از این لحاظ برتر از یونانیان شمرده اند. جان هوزاک در تاریخی که درباره پیدایش و رشد حقوق بین الملل نگاشته می نویسد که، پارسها از نظر یونانیان و گنگا از نظر رومیان بر سر نامیده میشدند، اما آثاری که از نویسندگان یونانی و رومی بجای مانده چنین بر می آید که در زمانهای قدیم پارسها و گنگا نظرات عادلانه تری از حقوق و تکالیف سفیران داشتند تا یونانیها و رومیان. (۱)

سفیران در قدیم وظایف مختلف داشتند، گاه برای جلب کمک، گاه برای مذاکره به منظور عقد صلح، گاه برای ارسال هدایا و گاه برای تحقیق و کسب اطلاعات و جاسوسی از کشوری به کشور دیگر اعزام میشدند. نخستین مورد اعزام سفیر در تاریخ ایران باستان به زمان مادها مربوط میشود. گزنفون در این خود بنام تربیت کوروش (کتاب ۲ فصل ۴) می نویسد که در زمان اقتدار مادها سفرائی از طرف پادشاه هخامنش نزد کیاکسار آمدند تا بپرسند چرا مادها میخواهد با آسور بیگانه و از آنجا میخواستند به آسور بروند و همین سؤال را از پادشاه آسور کردند. قصد پادشاه ماد از فرستادن این رسولان این بود است که بداند کدام طرف حق و کدام طرف متدعی است تاسیسات عادلانه ای اختیار کند. (۲)

در زمان کوروش سفیران متعدده کشور های مختلف اعزام شدند. روستن می نویسد سرازفتی لیدی بستم کوروش بزرگ و جوانمردی که شاهنشاه ایران نسبت به پادشاه لیدی از خود نشان داد، یونانیها و اهل یونان سفیری نزد کوروش فرستاد و تقاضا کردند که کوروش با آنها مانند لیدی رفتار کند، یعنی امتیازاتی گرفته و با مأمور داخلی آنها - دخالت نکند. همین نویسنده مورد دیگری مربوط به این زمان را نقل کرده و می نویسد اسباب ترها برای ساختن پارس و پارسی ها بیاتی را باین کمک پنجاه پارویی اسارتی بدربار کوروش فرستادند. این هیأت بکنفر برنام لاریس انتخاب کرد و نزد کوروش که در آن هنگام در شهر سارد بود فرستادند. آنجا دولت تبار سفیران بار اطلاعاتی درباره یکدیگر کسب کردند. (۳)

هرودوت در مورد نقش مأموریت سفیران را ذکر کرده که به تاریخ ایران مربوط است و جالب اینکه هر دو مورد نقش مأموریت از طرف دول یونان بوده است. مورد اول مربوط به قبل از نخستین لشکر کشی پارسها به یونان و هنگامی است که داریوش سفیرانی به آتن و اسپارت برای «تقاضای آب خنک» فرستاد. چون تقاضای داریوش برایشان گران آمد در هر دو شهر سفیران ایران را کشتند. بعداً اسبابها متوجه خطای خود شدند و حتی هنگامیکه خنکبارها چنینجا داریوش عازم حمله به یونان یونانیان درون آن افراد برجسته خود را بدرقه فرستاده پشیمان کردند که آنها بقتل سفیران

ایران کشته شوند ولی شاهنشاه ایران جوانمردانه رفتار کرد و هنگامی که اسبابها به حضورش رسیدند اعلام کرد که او از رفتار اسبابها بیرونی نگردد و رسوم بشری را نقض نخواهد کرد و سپس ایشان اجازه داد تا به اسبابها مراجعت کنند. باید اضافه کرد که از طرف آنجا که سفیران داریوش را کشته بودند هیچگونه تقاضای جبران و پوزشی بعمل نیامد. و اما مورد دوم هنگام جنگهای بلو پوزی اتفاق افتاد، بطوریکه توسیدید نقل کرده هنگامیکه سفیران اسبابها برای آمدن به سراسر شاهنشاه ایران از سرزمین بیطرف داریوش عبور میکردند، و آنجا - که شاهنشاه مأموریت سفیران را بزبان خود میدانستند، آنها را گرفتار کرده و بدون ممانعت در هرمان روز ورود به آنجا کشتند. (۴)

آنچه مسلم است اینکه لزوم مأموریت سفیران در ایران باستان درک شده بود و نقش مأموریت متعجب مجازات میشد. هر دو نقل میکند که ضمن جنگی که برای تصرف مصر صورت گرفت . . . کمبوجیس کبفر پارسی را مأمور کرد که بایک کشتی متعلق به میتی لن (نام شهرست) در جریان رودبالا رود و برای یافتن راه اتوفاقی با مصریان مذاکره کند. مصریان هنگامیکه مشاهده کردند که آن کشتی به مفسس وارد شد متجمعاً از حصار شهر خارج شدند و کشتی را شکستند و مسافران را قلمه قطعه کردند . . . در نتیجه این اقدام شهر محاصره شد و مدتی بعد آنان مجبور به تسلیم شدند . . . به انتقام ملاحان میتی لن که کشتی آنها را در مفسس شکستند خود آنها را را کشتند قضاات شاهنشاهی تصمص گرفتند و مقرر کردند که در ازاء هر یک نفر از اهل میتیان نصفه از زر بزرگترین خانواده مصری کشته شوند . . . (۵)

باوجود اینکه لزوم مأموریت سفیر عملاً قاعده ای درباره طرز رفتار و وظایف وجودند اختیارات سفیران وجود نداشت و همین امر بارها جزای طرف سفیرانی که از طرف شاهنشاهان ایران به خارج اعزام میشدند و چه از طرف سفیران خارجی که بهر بار ایران می آمدند مشکلاتی در عمل پدید می آورد. یکی از وظایف سفیران در دوره قدیم و حتی در ادوار بعد مراقبت و کسب اطلاعات جاسوسی در اوضاع و احوال کشوری که به

- (۱) - (On the rise and growth of the law of Nations)
- (۲) - نوشته جان هوزاک - چاپ لندن - سال ۱۸۸۲ - صفحه ۳۰۸
- (۳) - (تاریخ ایران باستان) - مذکور در قبل - صفحه ۲۸۸ و ۲۹۰ - (نقل از کتاب توریه بوم - کتاب اول - بند ۱۶۱ - به بعد)
- (۴) - (On the rise and Growth of the Law of Nations)
- (۵) - نوشته جان هوزاک - مذکور در قبل - صفحه ۳۰۲
- (۶) - (تاریخ هردوت) - ترجمه دکتر هادی هدایی - مذکور در قبل - جلد سوم - صفحه ۱۱۸
- (۷) - (تاریخ ایران باستان) - مذکور در قبل - جلد دوم - صفحه ۲۶۲ و ۲۶۳

درباهم ناآگاهی نرفته، تا آنها، کدرهاله ای نور پیچیده است. ادامه می یابد. آغاز و پایان این امر نمیتوان دریافت، همانگونه که سرچشمه آفرینش را. و در هنگامی که از آغاز تا فرجام گسترده، و نماز آغاز و نماز پایانش، دانش در دست است، آسمان، بهستی، و پیرانندگی می آغازد، و اما، بنا به طبیعت، تنها، مسافتی منتهی دورا در می نوردد و آنگاه ادامه ای را در این جهان، می سپارد. و راهیان دیگر را خود دیدگاه، و آدمی راه او را به عهده میگیرند. نخست راهی را، که هر انسان ناگزیر از پوئین آن است او هم این آیین را پذیرفته و دیگر راهی، که از وجود او سرچشمه گرفته است. و ادامه او را، راه دومین، در حقیقت ادامه راهی است که به تحقیق و جهان گرفتن آرزوهای او، آرزوهای می انجامد. بیشترین مسافران، در ادامه این آرزو، پس از

میراث ایرانی

« هنگامیکه پدرم در گذشت، بیخاست اهورامزدا، به جایگاه پدر شدم. هنگامیکه من شاه شدم، بسیار شادمان « عالی بنا کردم. آنچه را که پدرم کرده، آنرا نگاهداشتم، « و بان افزودم. آنچه من بنا کردم و آنچه را که پدرم بنا کرد، « آنها را هم بیخاست اهورامزدا کردم. »

از آن سده نبشته های شاهنشاهان خنکبارها، درخت خشکید است. لحظه های هستی، به گویای زنجیری با هم پیوند یافته است. هر لحظه، لحظه ای پیش از خود، و پس از خود را، آنتهان فرشته که انگاری، هرس، خلقی یکسان دارند. و هرگز نمیتوان مرزی، در میان آنها، تصور کرد. از تسلسلین لفظها، هستی جلوه گری میکند و از ابتداء که روزنامه جش شاهنشاهی

جشن های ۱۵۰۰ ساله شاپوشاهی ایران

سخنرانی پروفوسر بوگدان اسکالدامک ، استاد دانشگاه ورشو درباره :

انگلیس در جهان

کوروش ، استراتژ و ورزیده نظامی و سیاستمدار و دیپلمات برجسته

پروفوسر اسکالدامک گفت :

آئین شاهنشاهی ایران ، حافظ عظمت و استقلال ایران در ازمنه مختلف بوده است

پروفوسر بوگدان اسکالدامک استاد فارسی دانشگاه ورشو که یکی از ایران شناسان و مشرفین معروف جهان شمار میرود مناسبت نزدیک شدن جشنهای دوهزار و پانزدهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در طائر پرگ کاخ استارچ نطق بسیار جالبی پیرامون تاریخ ایران کرد که از هر جهت شایان توجه است.

« پروفوسر اسکالدامک » در آغاز سخن چنین گفت :

« ... اولین اشارات موجود به آریاهای شرق که در ایران امروز منسخر شدند در تواریخ وقایع منسکوب آشوریهای قرن نهم (قبل از میلاد) مشاهده میشود . همین تواریخ به کتوری به نام ماد اشاره میکند که در اواسط قرن هفتم قبل از میلاد تشکیل شده بود . هر چند مادها خود هنوز تحت الشعاع آشوریا و اورارتیها قرار داشتند از این تاریخ بعدگاهگاهی پیرایس کلر آنزمان کتوری دور افتاده و منزوی بودست چیره میشدند .

این دوره برای مادها اهمیت فراوانی داشت جهان پیروزیها موجب قدرتیافتن آنهاست و توانستند در کشتکهای اقوام بابل و آشور نقش ایفاکنند . بهار بدینگر هریک از دوتیوری مقتدر سابق بابل و آشور میگویند دوستی و اتحاد ماد را بعنوان یک متحد لیرویند بوی خود جلب کند .

تخییر پارس بوسیله مادها حادثهای مهم با نتایج و واکنشهای مهم بعدی بود . اهتمام پارس به مادیه ، پارس را مستقیم وارد سیاست پیرامنی کرد و آن را از نروا بیرون کشید در واقع آشالی پارسها با سیاست و بوسیله مادها و از طریق سازمانهای آنها صورت گرفت و از تاثیر آنها بود که کوروش فرزند کوجوبه (کامبیز) بوسی شاهنشاهی ایران برای تعلیم تربیت و آموزش و خویش سازی پندربار ماد فرستادند .

سلطنت کوروش بزرگ

کوروش در سال ۵۵۹ (قبل از میلاد) به پادشاهی رسید و مدت سی سال یعنی تا ۵۲۹ قبل از میلاد سلطنت کرد کوروش در این مدت با شاهنشاهی از سیاست زیر نانو و خاصه که آمیزهای از دیپلومی و فتح و تصرف بود مرزهای پارس را نهایتاً تا رزمین مادها امتداد داد بلکه با تصرف آشور ، بابل ، میدیا و قفقاز ، همه فلات ایران را در بر گرفت .

تگاهی بلشکر کهای دقیق و حساب شده کوروش بخوبی میزان هوش ، کاودت و کاردانی او را بعنوان یک سیاستمدار توانا و یک استراتژ بزرگ نظامی نشان میدهد .

کوروش در تمام یک سه ساله از محرب بجای آنکه دشمنان نزدیک را مورد حمله قرار دهد ، سپاه خود را بچاپان مرزهای غربی ایران روانه و با ایجاد یک نفوس مقتدر و بانفوذ از افراد خود لیبرای مورد حمله قرار داد .

مصر و بابل که از خط تیروی ایران فرماندهی کوروش بخوبی آگاه بودند کوشیدند کمک لیبی نشانند و این همان چیزی بود که کوروش انتظار او را داشت و همین سبب قبلا بعنوان پیشگیری بچاپ غرب افتاد بود و در واقع سبب محصنه بود در نتیجه سپاه ایران با کمک سبیل پسانی تاش مصر و بابل را برای کمک به لیبی ختی کرد ارتش کوروش اینک با وجود کتور دوست و متحد خود سبیل راه آنتونی را در برابر خود گشاده می یافت .

این وقایع بخوبی نشان میدهد که کوروش بعنوان یک استراتژ ورزیده نظامی تفتت عملیات جنگی خود را از پیش دقیقاً تهیه کرده بود و این تفتت بسیار دقیق و وارزش بود است یک نگاه سریع به اوضاع کلی در این زمان تصمیمات و نقشه های کوروش را در داند که تصمیمهایی نشان میدهد . بوسی شاهنشاهی ایران قبل از آنکه مستقیماً با دشمن درگیر شود تفتت و برزانه حساب شده خود ابتدا راههای بابل دروازی غربی بایش جبهه ایس سرزمین را منسوخ کرد و این ترتیب رابطه آندرا با آسیای صغیر و مستعمرات یونان قطع نبود . پس از فرات از اینکار واقع تجارت نابل یا بزرگترین متحصنین آن ، در نتیجه از میان بردن پاکتس غواید بازرگانی این کشور ، در سوریه و فلسطین بلوا و آشوب و هرج و مرج پدید آورد . لازم گفتن است که این سیاست طبقه بازرگانان و سوداگران بابل را که منتظرترین طبقات این سرزمین بودند علیه رهبران حکومت بابل برمی انگیزد و این بوی خود موجب بروز اختلافات و کشتکهای شدید داخلی میشد کوروش در همین حال با بنسخت گرفتن کنترل آسیای صغیر تا حدودی یوید ، بر سرزمینهای مستیافت که از نظر فنی ، اقتصادی و هر چنگ پیشرفتهای زبانی کرده بود و تهریب آنها بویژه در مورد فن جنگ در اختیار سربازان پارس و مباد فرات می گرفت .

سخنرانی پروفوسر اسکالدامک در شماره فردا پایان میگرد

وزیر ار و پانصد ساله جشن

امیر اکبر کبیریت

تاریخ

... اولین اشارات موجود به آریاهای شرق که در ایران امروز منسخر شدند در تواریخ وقایع منسکوب آشوریهای قرن نهم (قبل از میلاد) مشاهده میشود .

این دوره برای مادها اهمیت فراوانی داشت جهان پیروزیها موجب قدرتیافتن آنهاست و توانستند در کشتکهای اقوام بابل و آشور نقش ایفاکنند .

تاریخ

... اولین اشارات موجود به آریاهای شرق که در ایران امروز منسخر شدند در تواریخ وقایع منسکوب آشوریهای قرن نهم (قبل از میلاد) مشاهده میشود .

این دوره برای مادها اهمیت فراوانی داشت جهان پیروزیها موجب قدرتیافتن آنهاست و توانستند در کشتکهای اقوام بابل و آشور نقش ایفاکنند .

نوشته : احسن رضوی

از : وطن چاپ پاکستان

تاریخ ملت ایران بر تارک همه ملل جهان میدرخشد...

بین المللی همیشه پیش قدم بوده است . تاریخ ملت ایران همچون کوه پر فروغی بر تارک ملل جهان میدرخشد . شاهنشاهی ایران با بدعتهای ویژه و کم نظیر آغاز شد و این خصلت آن شاهنشاهی پیوسته ادامه یافت . وطن سپس مقنن و هیچجایی که هم اکنون در تمام نقاط ایران دراستان جشنهای شاهنشاهی پدید آمده است اشاره میکند و نوشته است : اینج میجان نوداری از وجود یک ملت زنده و کامیاب در مندوده مرزهای ایران است .

ملت پاکستان خواستار پیروزی بیشتر و ترقی روزافزون مردم ایران است . روزنامه وطن در این گزارش همچنین شرح مبسوطی درباره انقلاب شاه و مردم و خدمات علیاحضرت شهبانو فرخ چاپ کرده است .

روزنامه وطن چاپ پاکستان بطوریکه ملاحظه میکنید ضمن گزارش بسیار مفصلی همرا با بترت های چشمگیر و عکسهای از شاهنشاهی آریامهر ، علیاحضرت شهبانو فرخ و الاحضرت ولایتهد گزارش جامعی پیرامون جشنهای شاهنشاهی ایران منتشر کرده است . وطن مینویسد ملت ایران دوهزار و پانزدهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی خود را جشن میگیرد . این ملت که در دامان خود شخصیتهای بزرگی همچون کوروش کبیر و داریوش بزرگ پرورده است در تمام طول تاریخ بر افتخار خود علمدار آزادی علم و تمدن بوده است . ملت ایران پیوسته ملتی کامیاب و مستقل بوده است و هر یک از حادثهای استقلال و حاکمیت ملی آنرا تهدید کرده است پس شاهنشاهی و شکبایی بسیار آنرا از سرگردانده است . پس از تاسیس شاهنشاهی ایران بوسیله کوروش کبیر این شاهنشاهی بیوقفه و مستعمری ادامه یافته است تا با امروز که دویست و هشتاد و دو ساله پهلوی رهبری این کشور را در دستهای پرتوان و حیرت مند خود دارد .

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران

نشر مخصوص وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با جرابد کشور و برابر با تیراژ کلیه روزنامهها چاپ و منتشر میشود . تهیه و تنظیم زیر نظر : ایرج نبوی

بنیانگذار و روح ذاتی آزادی و عدالت اجتماعی

در آغاز سخن گفتیم که هربک از سرداران بزرگ تاریخ ایران، شاهکارهای بزرگی دارند که اگر دست هیچ اقدام دیگری نیز نبزدند، همین يك شاهکار، بر دیوارهای نام آوران بنده میبود. و در این مورد «مشور ازین ملل» کوروش کبیرا شاهد آوردیم. این منطبق در مورد داریوش و دو سردار دیگر - که طی مقالات آینده به آنان میپردازیم - نیز صادق است.

در میان همه اقدامات داریوش، چه آن‌ها که در مقابل گذشته عنوان شد (سرکوبی کردن کنان داخلی و کشور کنایه) و چه پیروزیهای بعدی که از این‌ها خواهد آمد، با اجرای طرح غول‌آسایی مانند حفر کانال سوئز - که حتی در نیم قرن بیستم و شصت پیشرفت داشت و تکنیک کار عظیم و حراق - الماده جلوه می‌کند - با کاردی سترگ و فوق‌العاده و روبرو هستیم، که با یک مورخ ضعیف و بزرگسالی و اقدامات داریوش شاید چندان چشمگیر نباشد، و تمت‌الماع بردها و پیروزیها قرار گیرد. ولی آنکه که با زورگیری و تعمق و با عجبایی آیهت به تحسین در می‌بینیم که چرا جهانیان به داریوش کبیر عنوان «بزرگترین مرد دنیای قدیم» را داده‌بودند. پاسخ این سرشی در مجلات ذیل خواهد آمد.

— امروز وجود دولت «کبیر» برای مردم همه ملل و اقوام اروپا طبیعی است. کوروش از زمانی که چشم جهان می‌گشاید وجود نظم را در خانه و در اجتماع احساس می‌کند و بتدریج چنان با نظم اجتماعی که در آن بر سر می‌برد، می‌جویند، که تقریباً بدون نیاز به آموزش، ضرورت و فواید حکومتی کوروش، لنگری، اداری، قضائی و نظامی را در جامعه احساس می‌کند. یعنی همانطور که کوروش در سال دوم امرایه به مکتوب می‌نویسد، زبان مادری خود را می‌آموزد و همین ترتیب نیز با اصول نظام اجتماعی آشنا می‌شود. شاید کمتر یابیم فکر یافته که نخستین مکتوب و ابداً کننده این نظم چه کسی بوده‌است. طبعاً اثبات اصمیت تشکیلات مملکتی، برای چنین تمدنی که مصادیق گفته مولانا است: «آفتاب آمد دلیل آفتاب» اما تنها یابیم پناه کانیات لزوم تشکیلات دولتی «توضیح واضحات» است. نباید این کار عظیم که از نبوغ حیرت‌انگیز سرشته‌است، تا گفته و در برده بماند.

درست گرفته است که قبل از داریوش کبیر نیز اجتماعاتی با نوعی تشکیلات وجود داشته‌است. ولی ما در مقالات گذشته چشم اندازی از چگونگی اداره اینگونه اجتماعات را ارائه دادیم. تشکیلات حکومتی فرمانروایی چون آسور بابلی که با زور مردم سرزمین‌های دیگر و سرخاک ریختن خون آنان تقدیم می‌کردند، مرکب از ارهانی بود که در انتظار فرمان بورش یابن یا آن سرزمین دقیقه شماری می‌بودند و نظام مملکت بر ترفه شته و قدرتی آنان استوار بود. البته برای اولین بار کوروش کبیر روش نوین اداره مملکت را به جهانیان ارائه داد، و حتی ایجاب یک تشکیلات مسیح و کامل مملکتی، برای همیشه از آن داریوش به کار برد. اما در راه کوروش نظماً را پراختند، که سببای همه جنون بشری را تغییر داد.

در حال حاضر پس از سیری شدن دوازده روز یا نصد سال هنوز بسیاری از اجتماعات بشری قوانین و مقررات خود را کامل نینداده‌اند، هر روز در گرفتار و کنار جهان هزاران قانون و طرح تازه برای رفع نواقص و تکمیل قوانین موجود تدوین می‌شود. حال آنکه اصول کلی تشکیلات مملکتی داریوش، هنوز راهگشا و الهام‌بخش اندیشمندان جهان، در رهبری صحیح جوامع بشری است.

مورخان مغرب زمین می‌نویسند: «بزرگترین خدمت ایرانیان تمدن جهان این بود که نخستین بار بچای شادونت و خوشونت و ایجاب

دشمنی و بیگانگی - که تا آن زمان شیوه پادشاهان آتوری و بابلی بود، عدالت و آرامش و یگانگی را در سراسر تصرفات خود حکمروا ساختند و ثابت کردند که ملت‌های جهان هر چند هم که در خصوصیات ملی و نژادی از یکدیگر متمایز باشند، با داشتن مدیران اندیشمند و عادل می‌توانند برای حفظ منافع عمومی نوع بشر و پیشرفت بوی کمال، یارویار و یکدیگر شوند و بی‌زور خورد جنگ و جدال در تحصیل سعادت کلی جهانیان بکوشند.»

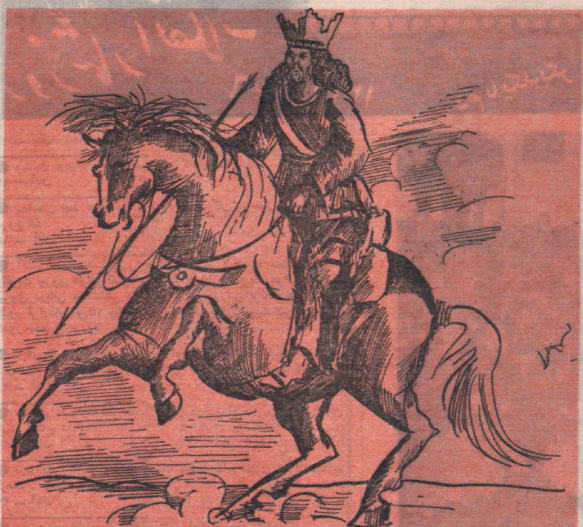
داریوش پس از آنکه بر سراسر امپراتوری خود از هند تا حبشه وحدت کامل داد، این مملکت پهناور را با توجه با اقوام متنوع آن و رعایت ملاحظاتی ملی و اقتصادی و سیاسی بی‌بخش جایگاه (استان) تقسیم کرد. آنگاه سرین از سرداران لایق و کارداران خود را با عنوان خستریا (استاندار) به حکومت بخشهای مختلف گماشت. از جمله پدر خود را بحکمرانی استان پارت (خراسان) منصوب کرد. با توجه باین که این لغت فارسی - استان «شهران» معنی میدهد می‌توان دریافت که داریوش باین تقسیم‌بندی منطقی چگونه کاری را آغاز کرد که هنوز هم هیچکدام از تشکیلات حکومتی جهان از ادامه آن بی‌نیاز نیستند و کلیه کشورهای متحد جهان با همین سیستم تقسیم‌بندی اداره می‌شوند. علاوه بر این سرین آنکه شهر باستان از حدود اختیارات خود تجاوز نکرده، ایحانا ظلم و ستمی نسبت ب مردم روا نداشت. «ماوزان» و «زبان» بایران با سوز و زهر دست مردم هوشیاران روانه میداشت، که گزارش خود را مستقیماً به داریوش شاه می‌دادند (توجه شما به تشکیلات سازمان یازسی شاهنشاهی امروز جنب می‌کنیم). آنگاه برای اولین بار چارهای منظم و سریمی تدارک دید که هر استان کشور را هواره به مرکز حکومت در تمامی مداوم قرار دهند (پست و تلگراف و سازمانهای ارتباطی). هر دولت می‌نویسد: «هیچ جنبندای از چایک‌سواران و چایباران ایران کمتر حرکت نمی‌کند. در منزلهای میان راه همیشه اسب برسی ایشان مهیاست. هر چایباری نامه‌های دولتی را از مرکز خود به دست می‌کند. سر چایبار خانه میرید و تسلیم چایبار دیگر می‌شود. اونیض همچنان به روز چایبار دیگر میدهد و بدین ترتیب شب و روز چایباران دولتی در حرکتند.»

فایده امروز که مسائل ارتباط جمعی همه فواصل را از میان برده و حتی از ستارک جوی دست بیام می‌آورد، تشکیل چنین چایباری چندان مهم جلوه نکند، اما کافی است در عالم تصور لحظاتی خود را در جهان دوهزار و پانزده سال پیش بر فرض کنید. داریوش چایباران مخصوص را از میان برجسته‌ترین فرماندهان خود بر می‌گزید، چنانکه داریوش سوم قبل از رسیدن سلطنت بکشد «استان» یا چایبار مخصوص پادشاهی بود.

پادشاهی هر یک از ایالات سی‌گانه يك فرمانده نظامی نیز از طرف داریوش اعزام میشد، تا دفاع از مرزها و امنیت مستقر را تضمین نماید. سالی دیوار دوم اموز از طرف داریوش بزرگ از ایالات تابعه اعزام می‌شدند که باز گزارش خود را مستقیماً بشخص شاه می‌دادند و مردم تصرفات داریوش، و آنان را چشم و گوش شاه می‌نمایند. اینان کوچکترین شکایات مردم توجه کرده و ضمن حل این مشکلات، شمار دقیقاً در جریان قرار میدادند.

داریوش قزاقهای مالیاتی پیشین را که تقدیم هدایا از طرف ممالک تابعه بشخص شاه بود برهیزد و برای اربابان باتوجه‌آبادانی و میزان معمول، مالیات عادلانه‌ای معین ساخت. (در حقیقت مالیات بردارد) - هر دولت میزان آن را در سال بطور متوسط ۳۲۳۳۶ کیلوگرم نقره ثبت کرده است. و با یاتوارک اضافه می‌کند: داریوش برای اینکه

عصر آریامهر دنباله منطقی واوج افتخار آمیز تاریخ شاهنشاهی و (دوران تمدن بزرگ) تجلی شکوه مندترین دوران تاریخ ایران است



کاد... ای اسان، آنچه را که اهورامزدا امر کرده بتو میگویم. از راه راست مگرد. اندیشه بدمنگن از گناه برهیز... «و در کتیبه می‌نویسند: «ای که پس از من شاه می‌شوی، سخت از دروغ بپرهیز. اگر میخواهی حکومت از بی دردمان باشی... فریبدهنده را کفر ده... «و باز... اهورا فردا و ایزدان دیگر از آنچه تو برای یاری کردند که من و دوستانم بددل و دروغگو و بی‌انصاف نبویم. من موافق حق و عدالت پادشاهی کردم. هیچ بندگی را نلرزدم و بر هیچ ضعیفی ستم روا نداشتیم. ای آنکه پس از من شاه خواهی بود، مردی را که دروغگو باشد، و کسی را که بیادار کند، دوست مپاش. از تو باشمش بازخواست کن.»

آیا از آغاز تاریخ تا امروز هرگز هیچ فرمانروا و سرداری توانسته است چنین موهبت ارزنده‌ای بجهانیان عرضه دارد... و آیا هیچ موهبتی بزرگتر از عدالت بر سر تسلط خواهد آورد. امروز پس از سیری شدن شب و پنج قرن هنوز بسیاری از جوامع بشری در بندهای سنگین ظلم و بیاداری گرفتارند. هنوز سازمان ملل متحد که عالیترین مجمع جهانی برای گذشتن صلح و عدالت است، با اینکه خود نتیجه دو طرح غسانگیز انسان و دو جنگ خونین جهانی است و با قیمت گزاف قربانی شدن لشها بوده است، توانسته است، بر سهیلوی بیاداری چسبده شود. آفتاب نشین از دو هزار سال پیش داریوش چنین نیازی انسانی و بشردوستانه‌ای سر می‌دهد، آنچه در دنیای که گردانند گاش بقتل و غارت می‌یابند و کشتار دسته‌جمعی منتهای را عنوان بزرگترین افتخار زندگی خود بر سر کتیبه‌های سنگی نقش می‌کنند یا جاودانه بماند.

آری، اگر داریوش هیچ کار دیگری هم نیکرد، همین آموزش روش کشورداری و تعمیم عدالت برای جاودانگی نام او بنده میبود. هر جا که سخن از دادگستری، از مساوات پشتیبانی مظلوم در برابر ظالم، از مساوات آهم در برابری افراد جامعه در برابر قانون است، در آنچه پرتوی از اندیشه نبوغ‌آسای داریوش، تابان می‌بینیم. و به همین جهت این چنین همه‌جا در مراسم شکوهند تجلیل از او و شهرواران سلف و خلفای او، در جشنهای دوهزار و پانصد سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، شرکت می‌جویند. این نوعی ادای دین تاریخی به انسانیت، بعدالت، تمدن و بنیانگذاران آن است.

شکوه و عظمت شاهنشاهی

انگیز مشکل گرفتن شاهنامه

هر زاینده نیاز طبیعی انسانیت و هر اصیل، هری که ریشه‌های آن از سرچشمه فرهنگ و دانش قومی کهنال تغذیه می‌کند، همانند شعاع خورشیدی است که با یاری جنبش از نور ستاویزی نمیشود از تابش آن جلوگیری کرد. گرگی به سیر تهور و نعل هنر، در هر زمینه، نشانگر این حقیقت است که هر اصیل، سرچشمه زاینده‌ای است که هرگز از جوش و بازآفرینی نمیماند، اگر حتی مایه، در کسوت ابری تیره، بپاورد چندی سطرعی خود را بر خورشید، هر افکند و در محدودهای خاص از زمان، فروغ آسرا بپوشاند، آن جوهر اصالت، سرانجام بردهی ایر را خواهد دید و بار دیگر، هنر، به نجوم خواهد آغازید.

ادب و فرهنگ باسی، یکی از رسته‌های اصیل و ریشه‌دار هنر ایرانیان است که بیاری جوهر سال و سوری زاینده‌ی خود، بر فراز زمانها می‌نشیند. وجود، بار می‌نماید. ادب فارسی به‌یاد خرد تاریخی میماند که ریشه در ژرفای فرهنگ دارد و شاخه‌های آن، از شکوه و ورگ، بارگرفته است. شعر باسی، شاخه‌ای برهنه و عطر آکن از این درخت است. و شعر چیست؟

آگاهی که تعریف کردن خریدنه، یعنی محدود کردن آن را قلمی معین و با چارچوبی خاص و مشخص، و شعر را، کمال ناپذیرترین پدیده‌ی ذهنی انسان است، لاجرم، در هیچ چارچوبی، معیور نیست، شعر، به عطر میماند که نمیشود آنرا با دست نمود، نمیشود آنرا با چشم دید. ولی می‌توان وجود آنرا دریافت. وجود و چوآن را حس کرد. شعر به ابیت، به سیکانگی میماند. وجود دارد، ولی دست نیافتنی است. شعر به عطر میماند که حالت گیر را در خود نهفته است. جوهر شعر، که در شعر جریان دارد، همین حالت را دارد. اگر بتوان عطر را، بر اثر شردگی، به‌یاد بدل کرد، و آنرا در مخطضه‌ای سرشته‌ی جنوس داشت، در اولین فرصت که سرپوش، برداشته شود، عطر گریزا، از دهانه‌ی مخطضه، به بیرون می‌آورد. با ذرات هوا می‌آمیزد، و هوا را از خود سرازیر میسازد. «شعر»، شعر اصیل، همین حالت را دارد. شعر با می‌توان از دیدگاه‌های مختلف، از زبان تنی چند از سخنوران و فلاسه و دانشمندان علم عروض، تعریف کرد. ولی نیازی به تعریفی، در این مثال نیست، هدف نشان دادن تأثیر شعر است، که می‌تواند با سخانی که در بالا رفت، آنرا دریافت. شعر، اندازا برمی‌انگیزد. شعر فرار، انسان را از خود می‌داند. او را برمی‌انگیزد. هدف شعر است و آنچه شاعر را برمی‌انگیزد چیست؟

برای دریافت و شناختن آن عامل جادویی، باید نخست یادآور شد که هر شاعر، پیش از آنکه «شاعر» باشد، انسانی است چون دیگر انسانها. او هم مثل دیگران، می‌بیند، می‌شنود، لمس می‌کند، می‌بوید و لب به سخن می‌گشاید. تصف می‌کند. و «زندگی» می‌کند، اما، آنچه میان انسان شاعر، و انسان غیرشاعر را، دیوار می‌کند، چگونگی پیش بردن و دریافت او است. شاعر، از راه بیانی، اشعار، تکرار می‌کند و از راه «شعوانی» اصوات را در می‌آید و از راه شعر، زندگی را، و کت‌ها را، و کت‌ها را، و سرانجام رویدادها را، در عالم ماده و ذهن کاوش می‌کند. در کاوشگری، سخت‌کوش است. او، به یاری بافت خاص ذهن خود، همه دیدها و شنیده‌ها و خوانده‌ها را در هم می‌آمیزد. و از یگانگی آنها، در لحظاتی که «نوبت» بر می‌آید، بر تو افکند، دست به آفرینش میزند. هدف او ازین آفرینش، زندگی است. زندگی برای خود و زندگی برای قوم خود. و انگیزه‌ای باید، انگیزه‌ای باید تا او را در گم‌گونی سازد. و این سخت‌کوشی روحی اوست، او، گاه تحت تأثیر پدیده‌ای یا رویدادی قرار گیرد، در خود احساس گم‌گونی می‌کند. حالتی همیشه به آفرینش خورنده، انسانهای مهیوت و طلم شده می‌آید. و زمانی، که خواند، در این حالت بیگانگی از خود می‌ماند. در اشعار و در طبیعت حلول می‌کند. با طبیعت، به‌همانی می‌گیرد. استماع می‌پذیرد و بدل به شیئی می‌شود و آنگاه که جاذبه‌ی افق‌نگر، او را برانگیزد، از خواب برمی‌خیزد. از خوابی برمی‌خیزد که در بیداری، بر او عارض شد و تأثیر آن رهش می‌کند. او، آنگاه و خواب، خود را به یاری کلمات، تصویر می‌کند. با عمل، بر انگیزه، صورت جاوید بخود می‌پذیرد. و شعر، با آفرینش خود، باهشی و رقابت برمی‌خیزد. شعر او، آفرنده‌ی دیگر است. و این سخن هنگامی صادق می‌آید که همانان که گفت، اثر هنری، شعر، از سرچشمه اصالت توشیده‌ی باد و ریشه در فرهنگ و ادب و اندیشه‌ی معنایی و راسخ دانسته‌ی باد. چنین هنری، و شعری، خود، بر فراز زمان فرار می‌گیرد.

● ● ●
و فردوسی، شاعری است که به این راز، نیک آگاه بود. او شاعر بود و تنها میبایست آن جادو، آن افق‌نگر ایرانی رخ نماید، بر تا او با آفرینش‌گری خود، و از رشد خود دست نگیرد. تا او بر سر جامه جادوئی نیند. چنین انگیزه‌ای باید، بی‌وفای شکرگ از زاینده‌ی و بازآفرینی داشته باشد، و سرانجام انگیزه، و عطر میماند. و چه انگیزه‌ای بشکوه، و نیرومندتر از شوکت و رخش شاهنشاهی ایران زمین. شاهنشاهی کهنسالی که سرچشمه خورشید را در خود نهفته است. شاهنشاهی شکوهی که زاینده و آفریننده بی‌شائبه فرهنگ، و سنت‌های ارزشمند انسانی، و ارزش‌های جادویی مانی است، و این انگیزه، رخ می‌نماید. از زبان شاعر بلندمرتبه‌ی توسی بشنویم. او، چون داستان متور شاهنامه را، که تصویرگر تاریخ کهنال و پیرای شاهنشاهی ایران زمین و بازگوکننده مسائل و صفات زاینده شاهان باستان بود، خواند، در خود، همان دگرگونی و ایفای و بازآفرینش داشت:

یکی نامه دیدم، بر آن داستان
سخنهای آن، بر پیش راستان
هفته هفتین بود و منور بود
طبیعت زیبوست او، و دور بود
نزدی به پیوند او، کسی گمان
برآینده‌ی گشت این دل خادمان
گرفتم به گونه‌ی برآفرین
که پیوند او، راه داد اندرین

شاه و مسین در ادبیات ایران

تاج شاهنشاهی ایران



الاج رخسند، ای گویند
که باسی براننده و بر کبیر
تن پاک تو باشد از زان
دل تا نیک تو چسبون آفتاب
فروزنده باستی چون سحر
که بر تو ستاند ز تو بجز
مگر آفتاب جهان بسرویز
کجا پادشاهان کی همری
توئی چتر زین زین کلاه
که بر آسمان باشت پانگاه
در خسته‌ی دیدیم شاهنشاهی
که باسی بدین خست‌خوری
فراز سرت تا ناله هلال
نمایان روی تو شکوه و جلال
پرت پرتو پاک پروین بود
که با رفعت و جلالین بود
فروزنده دل جفته فخرت
در خسته‌ی چون مهر تابان تخت
دو پهلو تو رخسند تیره‌یاب
فروغ دلت میسره آفتاب
زهر سوختن مهره دلدانه‌ها
ز لعل و گهر گردان دانه‌ها
ز باقیوت و الملس و در گهر
تن‌پوری داری در دهر
بیابت خلی چون خست کهنکشان
ساره شتایی و گوهر فتان
ز شاهان ایران تویی یادگار
کداری چنین چه‌رادی شاهوار
میلا تاج زینده راستان
تانبه‌ی فخرت باستان
گواه سرفرازی ما تویی
که همسایه‌ی جریح آفرین تویی
الا تاج گویش گرانیه‌ی باشت
بشرو بخورشیدیه‌ی باشت
الاج بر گوهر داربشوش
چن جامه دیباوطلی بیوش

تهران - ۱۳۰۵ ر. ۱۲

همیشه سر تخت، جای تو باد

از حکیم ابوالناسم فردوسی

همیشه بزی شاد و پیروز بخت
بزرگ شادمان، کسور و تاج و تخت
پرتو جهانی، کران تا کران
سرافراز و بر تاجور مهتران
که داند صفت کرد از داد تو
که داد و بزرگیست، و بنیاد تو
همه، آفرین را فریاش کنم
خدایا جهان را بنیاش کنم
که ما زنده اندر زمان توایم
که هر کار نیکی گمان توایم
خریدار دیدار و چهر ترا
همان خوب گفتار و مهر ترا
تو، این بزی، که تو ما اینیم
مدا که پیمان تو، بشکنیم
پراکنده شد غارت و جنگ و جوش
نیاید همی بانگ دشمن بگوش
نه کسی پیوسته تو دارد ز شاهان، خرد
نه آیدین از رای تو بگذرد
بجالی رسیدی هم اندر سخن
که نودش ز رای تو، مرد کهن
خردها فروز شد ز گفتار تو
جهان خلعت روشن ز دیدار تو
تویی خلعت ازیدی بخت را
کلاه و کمر بستن و تخت را
بنانی چنین شاد بامهر و داد
باید جهان چون تو خسرو، و باید
جهان اینم از برز و از فرست
خست آنکه در سایه‌ی پرست
همیشه سر تخت جای تو باد.
جهان زیر نام تو باد.

همواره جهاندار و خدایند جهان باد

از فرخی سیستانی

چندانکه جهانست ملک‌شاه جهان‌باد
تا بود ملک شهرده و شه‌ستان بود
چونانکه از عوالمی ازید به‌اماند
در خسروان پیمان‌ایلیک‌خانیاد
بدخواه بود بداندیش در خاک جهان‌باد
بیرون‌شدش از گیتی با نیرو گمان‌باد
آنجا که همه سودی چونند زین باد
م‌تهور و نگوشتارون‌زند دوجهان‌باد
هر کار کزین پس بکند نچینان‌باد
و اولک‌خیم آنچه‌یقین بود گمان‌باد
دشاد مباد آنکه بدوشاد نماند
تا در تن و بازوی کسی زور توانست
چونانکه گران‌بست شاهرش را
ابر و ز جاندان و ارواح‌اند چنان‌جوانست
و آژ آنکه خواهی که در این شاه‌بومدک
در دولت و در مرتبه‌ی مملکت‌اورا
هر ساعت و هر وقت زخستونی آید
اورا همه آن‌باد که او خواهد دایم

بسی رنج بردم بدین سال سی
مجم زنده کردم بدین سال سی
چنان نامداران و گودکتان
که دادم بگیاک ایران نمان
بنای آباد، گردد خراب
زبان و از تابش آفتاب
بی‌انگند از نظم کاهی بلند
که از باد و باران نیاید گزند
بدین نامبر، سرها بگذرد
بخواند، هر آن‌کس که دارد خرد
با فردوسی هنگام کسب، شکوه شوکت شاهنشاهی ایران زمین
و را بشناسیم و همه در آنج می‌آیدان به آئین نیک بداران خود، و
شاهان دادگر و بیدار دل خود، بهمت کسب، ایر راه انسانهای
والاد

حسب رای جشن از داخل و خارج



بیش از ۳۵ میلیون تومان اعتبار عمرانی استان مرکزی است افزایش تعداد پروژه‌های عمرانی، در سال کوروش بزرگ،

نشانه آزاده ملت ایران است

چهره سازنده جشنها

... به پیش می‌رویم ... برای افراشتن پرچم شاهنشاهی ایران پر بالایی پام هزاران واحد جدید: بهداشتی-فرهنگی-اقتصادی و صنعتی ... به پیش می‌رویم ...
... سیوی برگزاری جشنهای مقدس و گرامی ۲۵ قرن شاهنشاهی ایران به پیش می‌رویم ... هفته جاودانگی نزدیک میشود و ما با استقبال هفته جاودانگی به پیش می‌رویم ...
... چرخش محورهای سازنده ایران ... در سال کوروش بزرگ ... برای گرامیداشت دوازدهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران ... سرعتر گردیده است. بازوهای استوار سازندگان (ایران) در سال کوروش بزرگ. همراه و یار همگام چرخهای سازنده ... در حرکتند و از این به بعد و مهر پشاه فوت میگردد و سرودشان، سرود شاهنشاهی ایران است ...
... همراه ... زمان تحویل آثار انقلابی ایران است ... جشنهای شاهنشاهی ایران ... یادگار میگذارد ... آثاری چون: مدرسهها - درمانگاهها - بیمارستانها - راهها - اسفالتها - کارخانهها ...
... یادگار آرزو شده شاهنشاهی ایران، در بوستانها، بخشها - شهرها - کوریا ...
... یادگار کوروش بزرگ ... داریوش شاه و آریامهر را گرامی بنامیم ...

اشتیاق مردم استان مرکزی

... بیش از ۳۵ میلیون تومان، اعتباری است که صرف یادبودهای عمرانی برگزاری جشنهای شاهنشاهی ایران، در استان مرکزی میشود. در بازنده شهر، و دهها روستای استان مرکزی شور و غوغای بیاست ... شور و غوغای بیساز-آبادانی و عمران ... مردم برای اجرای برنامه‌های عمرانی و سازندگی در سال کوروش بزرگ و بمناسبت برگزاری جشنهای شاهنشاهی ایران برهم پیشی می‌جویند.
تعداد پروژه‌هایی که قرار بود در استان مرکزی بمناسبت برگزاری جشنهای شاهنشاهی ایران انجام گردد، پراثرترتیب و اشتیاق مردم، افزایش یافته است: نمونه‌ای از آن، چنین است:
... بجای سه درمانگاه، چهار درمانگاه ساخته میشود.
... بجای شش دبیرستان، هفت دبیرستان ساخته میشود.
... بجای ۳۵ دبیرستان عادی شهری ۳۳ دبیرستان ساخته میشود.
... بجای ۴۰ دبستان دوره راهنمایی ۴۸ دبستان ساخته میشود.
... با استفاده از کمک و خودیاری مردم بجای ۱۲۲ کتابخانه مدرسه روستایی ۱۶۰ با مدرسه روستایی ساخته میشود ...
... این افزایش (تعدادها)، نشانه چیست ؟ ...
... بی‌شک این همه شور و هیجان با خود نشانی از اراده و توانایی ملتی دارد که باین شاهنشاهی عشق می‌ورزد و تشنه اصلاحات عمیق و اساسی است.

شیوه تقسیم اعتبارات

اجرای برنامه‌های عمرانی و آبادانی بمناسبت جشنهای شاهنشاهی در استان مرکزی شیوه‌ای صورت گرفته است که اعتبارات آن از طریق: اجتماعات استان - شهر و شهرستان بصرف برسد. بدین معنی که اعتبارات موجود، در اختیار اینجمنهای سه‌گانه قرار داده شد تا از طریق آنان، برنامه‌ها اجرا گردد.

برنامه‌های عمرانی

● ساختن و تجهیز ۱۶۰ دبستان روستایی با اعتباری معادل ۲۰۸۰۰۰۰ ریال.

● در جزء پروژه‌های بهسازی محیط در روستاها، اجرای پروژه قره آب با محل سکونت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ اهمیت ویژه دارد. خانه مزبور هم‌اکنون بصورت موزه درآمده و برنامه خیابان‌بندی و تأمین آب آشامیدنی و لوله‌کشی و برق قره آب با نيز در دست اجراست.

تفکیک پروژه‌های عمرانی

● در اراک ۶ راه روستایی با اعتبار ۳۰۰۳۶۰۰۰۰ ریال ۴ حمام بهداشتی با اعتبار ۲۰۲۴۰۰۰۰۰ ریال ۸ پروژه بهسازی محیط با اعتبار ۲۰۵۸۰۰۰۰۰ ریال - ۲۳ دبستان روستایی و ۴ دبستان عادی شهری با اعتبار ۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال - ۵ دبستان دوره راهنمایی با اعتبار ۶۰۰۰۰۰۰۰ و یک دبیرستان شهری با هزینه ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال ساخته شده و تامهرماه مورد بهره‌برداری قرار میگردد.
تقریباً:
● پروژه ۳ راه روستایی با اعتبار ۱۰۵۱۹۰۰۰۰ ریال، ۴ پروژه لوله‌کشی روستا با اعتبار ۳۰۸۲۰۰۰۰۰ ریال، ۴ حمام بهداشتی با اعتبار ۲۰۲۴۰۰۰۰۰ ریال، ۸ دبستان روستایی و ۳ دبستان عادی شهری با اعتبار ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال، ۳ دبستان دوره راهنمایی با اعتبار ۳۰۷۵۰۰۰۰ ریال، یک دبیرستان با اعتبار ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، ۲ پروژه لوله‌کشی شهری با اعتبار ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال و مقارن جشنهای شاهنشاهی مورد بهره‌برداری قرار میگردد.

● ساختن ۳ دبستان عادی شهری با هزینه ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال
● ساختن ۸ دبستان دوره راهنمایی شهری با هزینه ۴۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال
● ساختن ۷ دبیرستان با هزینه ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
● ساختن ۵۹ گرمابه بهداشتی با اعتبار ۳۳۰۰۰۰۰۰ ریال
● اجرای پروژه تأمین آب آشامیدنی و لوله‌کشی آب با هزینه ۴۷۵۰۰۰۰۰ ریال
● اجرای ۱۳ پروژه تأمین برق روستاها با هزینه ۱۶۴۵۰۰۰۰۰ ریال
● ساختن ۴ درمانگاه روستایی با هزینه ۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال
● اجرای ۹ پروژه لوله‌کشی شهری با توسعه لوله‌کشی با هزینه ۴۷۸۰۰۰۰۰۰ ریال
● اجرای ۷۲ پروژه راه روستایی (ساختن - تعمیر) با هزینه ۳۹۴۵۰۰۰۰۰ ریال
● اجرای ۴۴ پروژه بهسازی محیط در روستاها با هزینه ۱۶۱۷۷۰۰۰۰۰ ریال

کمیته جشن شاهنشاهی

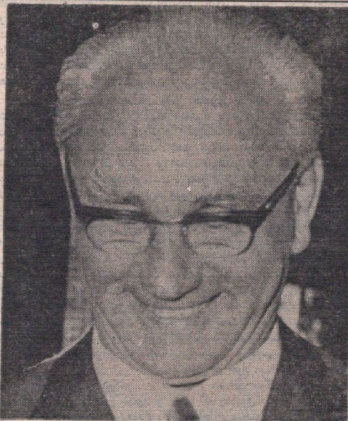
در اتریش

ریاست عالی:

حضرت دکتر فرانتس یوناس، رئیس جمهوری

اعضای کمیته:

- عالیجناب دکتر فرانتس یونیک اسقف اعظم اتریش
- جناب آقای دکتر یونوتراکسی صدراعظم فدرال
- جناب آقای دکتر رودولف کیرشل وزیر امور خارجه
- جناب آقای دکتر لئوپولد گراس وزیر آموزش
- جناب آقای دکتر آونووش وزیر کشور
- جناب آقای دکتر یوزف اشتایبایخ وزیر بازرگانی
- جناب آقای دکتر هنر فایربرگ وزیر آموزش عالی و تحقیقات
- جناب آقای دکتر آلونس گوبیخ صدراعظم اسبق اتریش
- جناب آقای فلیکس اسلاویک شهردار و فرماندار ایالت
- جناب آقای دکتر کارل ترش رئیس دفتر مخصوص حضرت رئیس‌جمهور فدرال
- رئیس اداره مطبوعات دولت فدرال
- رئیس امنیت ملی وزارت کشور
- رئیس اتاق بازرگانی اتریش
- استاد دانشگاه وین
- استاد مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه وین و رئیس انجمن خاورشناسان اتریش
- رئیس موزه تاریخ طبیعی اتریش
- رئیس موزه نظامی
- رئیس موزه هنرهای زیبا و رئیس خزانه
- رئیس موزه هنرهای تطبیقی وین
- رئیس انستیتیوی خاورشناسی انجمن هامبروگشتال
- رئیس کتابخانه ملی اتریش
- رئیس آکادمی موسیقی
- رئیس ایرای وین
- مدیرعامل حرکت نفت اتریش
- رئیس زبرینک گراس پراوگر
- مدیرعامل بانک مرکزی بانکهای پراگان
- مدیرعامل بانک اتریش
- مدیرعامل بانک اعتبارات اتریش
- آقای دکتر فریدلیند
- آقای دکتر هانس یوتنر
- آقای دکتر هاینریش دایفگینتل
- آقای لودویگ باور
- آقای همبست کارل انتسنان
- آقای دکتر یوزف تاناک
- آقای دکتر ویلهلم براسک
- آقای دکتر هیرتاشهید
- آقای دکتر رودولف فیلیپر
- آقای دکتر هانس یوتنر
- آقای دکتر هاینریش دایفگینتل
- آقای لودویگ باور
- آقای همبست کارل انتسنان
- آقای دکتر یوزف تاناک
- آقای دکتر هاینریش یوتنر



حضرت دکتر فرانتس یوناس، رئیس جمهوری



آقای دکتر یونوتراکسی صدراعظم